

رامین یوسفی

## اتوبوس

اتوبوس‌ها  
چه خشم‌آگینند  
به‌سان گاوان میدان بارسلونا  
اما با این شتاب  
چه آهسته  
باز به مقصدهامان  
می‌رسیم.

بادی به غبغب انداخت و گفت:  
به نظر من  
دیکتاتوری  
به اضافه‌ی مجاز و استعاره‌های دیگر  
تنها راه رستگاری‌ست  
و آن سوی‌تر  
کودکی که نقشه‌ی جغرافیای  
مدرسه‌شان را  
کش رفته بود  
درمیدان شهر آن را  
میان پیرزنان و پیرمردان  
به آتش می‌کشاند

## بخارا

پاپ  
پیپ می‌کشید  
و بخارا  
هی بخار می‌شد  
و کسی  
چهره‌ی دوک اعظم را نشناخت  
تا این‌که صورتک  
از چهره‌ی بازیگر روی سن  
فرو افتاد  
و یکی از میان تماشاگران  
فریاد برآورد:  
دمو کراسی...دمو کراسی....  
و تزار  
سوار بر اسبی عربی  
در حالی که نان ایرانی می‌جوید

پاپ  
پیپ می‌کشید  
و بخارا  
هم‌چنان  
بخار می‌شد  
...خار می‌شد  
...ار می‌شد  
...ر

.  
. .